

دانشکده علوم انسانی

گروه زبانشناسی

عنوان پایان نامه :

مقایسه تطبیقی آموزش زبان ملی در ایران با
کشورهای توسعه یافته

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبانشناسی همگانی

مؤلف :

آناهیتا اشکان

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر بهمن زندی

استاد مشاور :

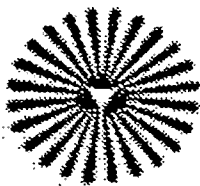
جناب آقای دکتر منوچهر جعفری تهر

تیرماه ۱۳۸۵

۹۷۸۶۲

کتابخانه مرکزی
دانشگاه تهران

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۱۱



دانشگاه پیام نور

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان

دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی	
بیطبق شماره بایگ	
شماره ثبت	۲
شماره مدرک	۶۴۲
شماره وگنرت	۸۵/۹/۱۴

بررسی تطبیقی برنامه درسی آموزشی زبان ملی در ایران و کشورهای توسعه یافته

تاریخ دفاع: ۸۵ / ۴ / ۶ نمره: ۱۹۱۵ درجه: عالی

اعضای هیات داوران

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
--------------------	-------------	------------	-------

۱- آقای دکتر بهمن زندی

استاد راهنما

۲- آقای دکتر منوچهر محفیری گهر

استاد مشاور

۳- آقای دکتر سید مهدی سمائی

استاد داور

۵- آقای دکتر روشن

نماینده گروه

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داور

نماینده گروه

زندی

به آنان که آموختندم .

سپاسگزاری:

با سپاس از استادان گرانقدرم جناب آقای دکتر زندی، جناب آقای

دکتر جعفری گهر و خانم دکتر روشن.

صفحه	عنوان
۱	۱- فصل اول : کلیات
۳	۱-۱- اهداف اجرای برنامه
۴	۱-۲- پرسش های تحقیق
۴	۱-۴- ضرورت انجام تحقیق
۵	۱-۵- روش اجرا
۵	۱-۶- جامعه آماری
۵	۱-۷- محدودیت های تحقیق
۶	۲- فصل دوم : ادبیات تحقیق
۸	۲-۱-۱- مباحث نظری
۱۱	۲-۱-۱-۱- سواد
۱۲	۲-۱-۲- زبان ملی
۱۴	۲-۲- پیشینه تحقیقات
۱۴	۲-۲-۱- مطالعات داخلی
۲۷	۲-۲-۲- مطالعات خارجی
۵۱	۳- فصل سوم : اهداف و استانداردهای برنامه درس زبان ملی
۵۱	۳-۱- اصول برنامه زبان آموزی دوره ابتدایی در ایران
۵۱	۳-۱-۱- برنامه درسی زبان ملی در پیش دبستان
۶۳	۳-۱-۲- اهداف و استانداردهای برنامه آموزش زبان ملی در ایران

- ۷۱ ۳-۱-۳- زبان ملی به عنوان زبان ملی در ایران
- ۷۲ ۳-۲- برنامه زبان ملی انتاریو (کانادا)
- ۷۲ ۳-۲-۱ اهداف کلی برنامه
- ۷۳ ۳-۲-۲ اهداف و استانداردهای برنامه درسی
- ۷۵ ۳-۲-۳- زبان ملی به عنوان زبان دوم در انتاریو
- ۸۳ ۳-۳- برنامه زبان ملی در ایالت ساسکاچوان (کانادا)
- ۸۳ ۳-۳-۱- اهداف کلی برنامه
- ۸۵ ۳-۳-۲- اهداف و استانداردهای برنامه درسی در پیش دبستان
- ۸۸ ۳-۳-۳- اهداف و استانداردهای برنامه درسی در دبستان
- ۱۰۳ ۳-۴- برنامه زبان ملی در ایالت فلوریدا (آمریکا)
- ۱۰۳ ۳-۴-۱- اهداف و استانداردهای برنامه درسی در پیش دبستان
- ۱۰۵ ۳-۴-۲- اهداف و استانداردهای برنامه درسی در دبستان
- ۱۱۵ ۳-۴-۳- زبان ملی به عنوان زبان دوم در فلوریدا
- ۱۱۷ ۳-۵- برنامه زبان ملی در ایالت میشیگان (آمریکا)
- ۱۱۸ ۳-۵-۱- اهداف و استانداردهای برنامه درسی در پیش دبستان
- ۱۲۱ ۳-۵-۲- اهداف و استانداردهای برنامه درسی در دبستان
- ۱۳۱ ۳-۶- برنامه زبان ملی در انگلیس
- ۱۳۲ ۳-۶-۱- اهداف و استانداردهای برنامه درسی در پیش دبستان
- ۱۳۲ ۳-۶-۲- اهداف و استانداردهای برنامه درسی در دبستان
- ۱۳۷ ۳-۶-۳- زبان ملی به عنوان زبان دوم در انگلیس
- ۱۳۷ ۳-۷- برنامه زبان ملی در ایالت نیو ساوت ولز (استرالیا)
- ۱۴۰ ۳-۷-۱- اهداف و استانداردهای برنامه درسی در پیش دبستان
- ۱۴۱ ۳-۷-۲- اهداف و استانداردهای برنامه درسی در دبستان

۱۴۴	۳-۸- برنامه زبان ملتی در نیالت اکت (استرالیا)
۱۴۷	۳-۸-۱- اهداف و استانداردهای برنامه درسی
۱۵۳	۳-۸-۲- زبان ملی به عنوان زبان دوم در اکت
۱۵۶	۴- فصل چهارم: رویکردهای آموزشی
۱۵۸	۴-۱- رویکردهای آموزشی در برنامه درسی ایران
۱۶۸	۴-۲- رویکردهای آموزشی در برنامه درسی انتاریو
۱۶۹	۴-۳- رویکردهای آموزشی در برنامه درسی ساسکاچوان
۱۷۵	۴-۴- رویکردهای آموزشی در برنامه درسی انگلیس
۱۷۸	۴-۵- رویکردهای آموزشی در برنامه درسی اکت
۱۹۰	۴-۶- رویکردهای آموزشی در برنامه درسی نیوساوت ولز
۱۹۲	۵- فصل پنجم: ارزش یابی برنامه درسی زبان ملی
۱۹۴	۵-۱- ارزش یابی برنامه درسی زبان ملی در ایران
۲۰۱	۵-۲- ارزش یابی برنامه درسی زبان ملی در ساسکاچوان
۲۰۵	۵-۳- ارزش یابی برنامه درسی زبان ملی در اکت
۲۰۸	۵-۴- ارزش یابی برنامه درسی زبان ملی در نیو ساوت ولز
۲۱۲	۶- بحث و نتیجه گیری

چکیده

در این تحقیق برنامه درسی آموزش زبان ملی در ایران در دوره های پیش دبستانی و دبستان در ایران و کشورهای توسعه یافته مورد بررسی و مطالعه تطبیقی قرار گرفته اند.

از میان روش های مطالعه تطبیقی روش پیشنهادی جرج بردی که شامل چهار مرحله توصیف (Description)، تفسیر (Interpretation)، همجواری (Juxtaposition) و مقایسه (Comparison) است، استفاده شده است.

در این تحقیق برنامه درسی ایالات متحده آمریکا شامل ایالات فلوریدا و میشیگان، برنامه های درسی کانادا شامل ایالات انتاریو و ساسکاچوان، برنامه درسی ایالات استرالیا شامل اکت و نیو ساوت ولز و برنامه درسی ایران و انگلیس مورد مطالعه قرار گرفته اند. در این مقاله نخست مهارت ها و زمینه های آموزش زبان ملی در کشورهای یاد شده بررسی شده اند. سپس اهداف و استانداردهای آموزشی زبان ملی مورد مطالعه قرار گرفتند. پس از آن راهبردها و رویکردهای آموزشی و راهبردهای ارزشیابی زبان ملی در کشورهای مورد مطالعه توضیح داده شده است. در نهایت نتایج بدست آمده از مطالعه برنامه ها با هم مقایسه شده اند.

بعضی یافته های کلیدی برای داشتن برنامه درسی زبان موثر و پیشرفته از این قرارند: بکار گرفتن استراتژی های جدید و متفاوت در برنامه درسی ایران، در نظر گرفتن بعضی شاخص های موثر از قبیل خلاقیت و در نهایت تغییر نظام آموزشی ایران به یک نظام دانش آموز و دانش محور.

کلید واژه ها: زبان ملی - مطالعه تطبیقی - کشورهای توسعه یافته - برنامه درسی

National language education-Comparative study-Developed countries-
Curriculum

فصل اول

کلیات

هنگامی که کودکان وارد دبستان می شوند به زبان مادری خود تسلط دارند، ولی ممکن است به برخی واحدهای واجی و ساخت های دستوری پیچیده آشنایی کامل نداشته باشد. همچنین واژگان زبان آنها محدود باشد که با مرور زمان گسترش خواهد یافت. پس کودکان در این مرحله به دو مهارت سخن گفتن و گوش کردن تا حدودی مهارت دارند، و شاید این یکی از دلایل بی توجهی نظام آموزشی به دو مهارت سخن گفتن و گوش کردن می باشد.

از آنجا که یادگیری زبان از نوع یادگیری مهارت است و هر چهار جنبه زبان، گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن مهارت هستند و یادگیری هر نوع مهارتی مستلزم تمرین، اشتباه و اصلاح آن اشتباهات است، کودکان باید راهنمایی شوند تا بتدریج اشتباهات آنها بر طرف شود و مهارت حاصل شود.^۱

در نتیجه این مهارت ها باید آموزش داده شوند و طبیعی است که این آموزش باید در اولین و مهم ترین مرکز آموزش

یعنی مدرسه انجام می گیرد.

^۱ - باطنی، (۱۳۵۰)، ص ۳۷ و ۳۴

به نظر می رسد کودکان ایرانی پس از گذراندن ۶ سال تحصیلی (یک سال پیش دبستان ، پنج سال دبستان) به زبان فارسی آن طور که باید اشراف کامل ندارند ، به عنوان مثال کودکان در خواندن و نوشتن مشکل دارند و اعتماد به نفس کافی برای صحبت در جمع را ندارند، پس شاید نظام آموزش زبان ملی در ایران دارای ضعف هایی است که بهتر است هر چه سریعتر برطرف شود. از آنجائیکه یادگیری زبان ملی که در ایران فارسی است، پایه و اساس یادگیری دیگر علوم است و شاید مهم ترین درس پایه های ابتدائی است، بر آن شدیم که نظام آموزش زبان در ایران را بانظام های پیشرفته در کشورهای توسعه یافته نظیر امریکا، انگلیس و چند کشور دیگر مقایسه کنیم و از این طریق راهکارهای جدیدی برای بهبود و توسعه نظام آموزش زبان ملی در ایران بیابیم. واضح است که مطالعه تطبیقی بهترین روش برای انجام این مقایسه است. مطالعه تطبیقی که اساس آن استفاده از تجارب دیگران است ، می تواند از طریق مطالعه متغیرها و مفاهیم سازنده برنامه آموزشی کشورهای دیگر و مقایسه ی آنها با یکدیگر ، ما را در این امر یاری نماید .

معمولاً در مطالعات تطبیقی علاوه بر عوامل و حقایق موجود در آموزش و پرورش عوامل اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و تاریخی و سیاسی مورد مقایسه و مشاهده ، بررسی و تجزیه و تحلیل منطقی و منظم و برنامه ریزی شده قرار می گیرند و بر توانایی لازم برای حل مشکلات می افزایند .

اکنون مسأله این است که چه تفاوت هایی بین نظام آموزش زبان ملی در ایران و کشورهای توسعه یافته وجود دارد؟

۱-۱ اهداف اجرای برنامه

از آنجائیکه در کشورهای توسعه یافته به دلیل داشتن امکانات و منابع مادی و انسانی کافی در زمینه آموزش، تحقیقات قابل ملاحظه ای انجام می شود و قطعاً از این تحقیقات در راستای بهبود نظام آموزش و پرورش بهره گرفته می شود ، منطقی به نظر می رسد که با مطالعه و بررسی نظام های آموزش کشورهای توسعه یافته که بر پایه مطالعات اساسی شکل گرفته است به شناخت دستاوردها و یافته های پیشرفته پردازیم . شاید این نتایج ما را در روند آگاهی و بهبود و توسعه نظام آموزش زبان ملی یاری کند . در کشورهای پیشرفته ای مثل ژاپن و امریکا هم گاهی این اتفاق می افتد . برای مثال ژاپن نظام آموزش خود را مدرنیزه می کند و در این راستا از متخصصان خارجی هم استفاده می کند . و هر چند سال یکبار در نظام آموزش کشور بازنگری می شود و اصلاحات لازم اعمال می شود^۱.

در کشور آمریکا نیز این مطالعات و اطلاعات انجام می شود.^۱ برای مثال در سال ۱۹۸۰ منتقدان اظهار کردند که ۱۲ درصد بچه های ۱۷ ساله عملاً بی سواد هستند. آنها در خواندن و نوشتن مشکل داشتند و در اعمال روز مره مثل خواندن دستورات عملی ها یا فرم های شغل یابی دچار مشکل می شوند که یکی از دلایلش تماشای بی اندازه تلویزیون ذکر شد و راه حل هایی مثل طولانی شدن زمان مدرسه و نوشتن برنامه جدیدی برای دانش آموزان مطرح شد که در نظام آموزش کشور مورد توجه قرار گرفتند.

اهداف اجرای طرح به طور خلاصه در ذیل آمده است:

۱. بررسی آخرین وضعیت آموزش زبان در کشورهای توسعه یافته
۲. معرفی نوآوریهای انجام شده در خصوص آموزش زبان ملی در کشورهای مورد مطالعه
۳. یافتن راهکارهای بهتر و پیشرفته تر در جهت بهبود و توسعه نظام آموزشی زبان فارسی

۱-۲ پرسش های تحقیق

۱. اهداف و استانداردهای برنامه آموزش زبان ملی در ایران و کشورهای توسعه یافته چیست؟
۲. راهبردهای آموزش در ایران و کشورهای توسعه یافته چیست؟
۳. منابع آموزش و ابزارهای مورد استفاده در کشورهای توسعه یافته چیست؟
۴. راهبردهای ارزشیابی درس زبان ملی در ایران و کشورهای توسعه یافته چیست؟
۵. مهم ترین راهکارها که به بهبود وضعیت آموزشی زبان ملی در ایران می انجامد چیست؟

۱-۳ ضرورت انجام تحقیق

زبان، مهم ترین ابزار برای رشد ذهنی و احساسی و اجتماعی دانش آموز است و نه تنها نقش مهمی در تمام حوزه های یادگیری دروس و علوم دیگر دارد، بلکه به رشد شخصیتی و اجتماعی کودکان نیز کمک می کند. در زمینه آموزش زبان ملی و زبان دوم پژوهش های زیادی انجام شده است اما در زمینه بررسی تطبیقی نظام های آموزشی زبان ملی در ایران و کشورهای توسعه یافته مطالعه ای انجام نشده است. لیکن از آنجا که مطالعه تطبیقی به عنوان یک راهبرد عقلایی سبب می

^۱ - Usinfo.state.gov.usa

شود بتوانیم از تجارب دیگران در افزایش کیفیت آموزش زبان فارسی استفاده کنیم، ضرورت این مطالعه بیش از پیش آشکار می شود.

۱-۴ روش اجراء، روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی^۱ و از نوع مطالعات تطبیقی است که با توجه به

ماهیت مطالعات تطبیقی از روش «جرج بردی^۲» استفاده می شود که شامل چهار مرحله است:

۱. توصیف^۳: در این مرحله به توصیف و جمع آوری اطلاعات می پردازیم.

۲. تفسیر^۴: در این مرحله به تفسیر داده ها می پردازیم.

۳. همجواری^۵: برنامه ها و اطلاعات لازم را در کنار هم قرار می دهیم و شاخص های برآمده از فرضیات را

تدوین می کنیم.

۴. مقایسه^۶: در این مرحله شاخص ها در کشورهای مختلف باهم مقایسه می شوند.

۱-۵ جامعه آماری

برنامه آموزش زبان چهار کشور توسعه یافته استرالیا، امریکا، کانادا و انگلیس همراه با برنامه آموزش ایران بررسی شده

است و در کشورهای استرالیا، کانادا و امریکا که دارای نظام فدرال هستند به طور نمونه برنامه چند ایالت مد نظر است.

ابزار گردآوری اطلاعات، چک لیست های متعددی است که داده های مختلف را در خود جای داده اند، این داده ها

از طریق شبکه اینترنت جمع آوری شده اند.

۱-۶ محدودیت های تحقیق

گسترده گی مبحث، مهارت ها و گرایش های برنامه درسی زبان ملی و کمبود مطالعات داخلی در این زمینه از

محدودیت های انجام این تحقیق به شمار می روند. همچنین در انجام این تحقیق مشکلاتی از قبیل عدم دسترسی به

منابع کافی و در صورت یافتن بعضی منابع، عدم همکاری کتابخانه ها مشهود بود. دسترسی به اطلاعات مورد نیاز زمان

زیادی گرفت، زیرا بیشتر اطلاعات و برنامه های آموزش زبان ملی از طریق شبکه اینترنت بدست آمد.

۱ - survey

۲ - Brady, George

۳ - description

۴ - interpretation

۵ - juxtaposition

۶ - comparison

فصل دوم
ادبیات تحقیق

آموزش کلیدی است برای خلق جامعه ای خلاق و پویا، آموزش صحیح می تواند جایگاه یک کشور در دنیا را مشخص کند و آن را به سوی توسعه و پیشرفت هدایت کند. در مقایسه ای که بین نظام آموزش فرانسه و دانمارک انجام شده است، بر این موضوع تاکید شده است که اصلاحات در آموزش باید به دقت فراوان انجام گیرد، چرا که دنیا به سوی آموزش محوری و اطلاعات محوری پیش می رود و ما باید دانش تفکر، خلاقیت و درست زندگی کردن را به کودکان بیاموزیم.^۱

توانایی نوشتن، خواندن، شنیدن و خوب صحبت کردن هسته تجربیات انسان است، مهارت های زبانی نه تنها وسیله مهمی برای یادگیری های دیگر هستند بلکه به بشر این قدرت را می دهند تا روح انسانی خود را تقویت کند، یک شهروند خوب باشد و تاریخ یک ملت را حفظ کند. در نتیجه زبان مهم ترین ابزار برای رشد ذهنی، احساسی و اجتماعی دانش آموز است و نقش مهمی در تمام حوزه های یادگیری دارد. از این جا می توان به اهمیت آموزش زبان، و به نیاز بیش از پیش تحقیقات و بررسی های دقیق و علمی آموزش زبان و در صورت نیاز انجام اصلاحات، پی برد.

۱-۲ مباحث نظری :

در مقاله ای تحت عنوان " برنامه ریزی زبان ملی چرا که نه " نوشته بکمند آمده است : برای اولین بار ، یک زبان شناس اجتماعی به نام اینار هوگن^۱ که امریکایی نروژی است در کتاب « برنامه ریزی زبانی در نروژ مدرن »^۲ برنامه ریزی زبان را مطرح می کند . در چاپ دوم کتاب در سال ۱۹۶۸ برنامه ریزی اینگونه مطرح شده است : عملی برای آماده کردن یک نظام نوشتاری تجویزی ، دستور و فرهنگ لغات برای نویسندگان و گویندگان یک جامعه کلامی غیر همگون است . سیاست زبانی را برنامه ریزی که صرفاً برای پیکره زبانی است تعریف می کند و می گوید زبان ملی در واقع گونه استاندارد زبان رایج کشور است .

در ادامه مقاله چنین آمده است : اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی توجه زبان شناسان به سوی جامعه جهان سوم جلب شد ، از دید اروپای غربی ، استاندارد کردن یک زبان به عنوان زبان ملی راهی برای مدرن شدن آن جوامع مطرح شد و از این پس برنامه ریزی زبانی وسیله ای اصلی برای حل مشکلات و تغییرات در جامعه به حساب آمد . حدود بیست سال بعد ، در سال ۱۹۸۹ کوپر^۳ نظریه مدرن تری ارائه داد : « برنامه ریزی زبانی اشاره دارد به تلاش های سنجیده ، برای تاثیر در رفتار دیگران با احترام به یادگیری ، ساختار و توزیع عملکردی رمزهای آنها در زبانها » او در رد نظریات زبانشناسان می گوید : چه کسی برنامه ریزی می کند ؟ برای چه کسانی و چرا ؟ او به یک زبان ملی اشاره نمی کند بلکه به زبان های ملی اشاره می کند . بکمند در ادامه مقاله به نقل از بندیت اندرسون^۴ (۱۹۸۳) می نویسد : در قرن ۱۸ و ۱۹ در فرانسه زبان ملی معنا نداشت و دلیلی هم برای نظام مند کردن آن وجود نداشت . زبان ها درون گروهی استفاده می شوند و دلیلی برای عمومی کردن آنها وجود نداشت . زبان فرانسه در سال ۱۵۹۳ ملی شد . (زبان ملی فرقی با دیگر زبان ها ندارد و مسئله برتری نیز مطرح نیست) . در آن زمان ، تعداد کمی از ساکنان آن کشور فرانسه زبان بودند و تلاش زیادی برای تاثیر زبان فرانسه بر دیگر زبان ها انجام می شد و اولین دلیل این کار رها شدن از زبان لاتین بود . بعد ها سازمانی هم برای محافظت از زبان فرانسه تاسیس شد و به پاکسازی زبان از لغات بیگانه و ترجمه کلمات انگلیسی پرداخت و با استقبال خوبی از سوی مردم مواجه نشد .

^۱-Haugen , Einar

^۲-Language Planning in Modern Norway

^۳- Cooper, Robert

^۴ - Benedit , Anderson

تیم دوناهو^۱ از مرکز آموزش هاوایی مقاله ای تحت عنوان « گزارشی از استفاده زبان اول و دوم در آموزش »

نوشته است. او در ابتدای مقاله این سؤالها را مطرح کرده است:

آیا در مدارس امریکا باید انگلیسی تدریس شود یا زبان محلی و بومی؟

چطور و چگونه باید از این زبان در مدارس استفاده کرد؟

او در این تحقیق به دو موضوع زبان اول و دوم پرداخته است. تحقیق بصورت مطالعه موردی در هفت کشور

مختلف انجام شده است. در کشورهایی مثل فیلیپین که زبان ملی، زبان تعداد کمی از گویشوران است و در کشورهایی

مثل کانادا و امریکا که زبان تدریس شده در مدرسه زبان تعداد زیادی از گویشوران است.

تحقیق در هفت کشور هائیتی، نیجریه، (در این دو کشور تعداد کمی به زبان ملی صحبت می کنند) و گواتمالا

(که تعدادی گویشور به زبان ملی دارد) و کانادا، نیوزلند و امریکا که تعداد زیادی به زبان ملی صحبت می کنند، انجام

شده است. در هائیتی وقتی زبان محلی به عنوان وسیله ای برای تدریس زبان فرانسه در نظر گرفته شده خانواده ها مخالفت

کردند. زیرا فکر می کردند به این طریق بچه ها در نظام آموزش فرانسه نادیده گرفته می شوند و این احساس به آنها دست

می دهد که شهروند درجه دوم هستند. اما در کانادا برخوردها کاملاً متفاوت بود، خانواده های انگلیسی زبان مشتاق

شرکت فرزندانشان در مدارس می بودند که زبان اقلیت ها مثل فرانسه در آن تدریس می شد.

در نیوزلند بیشترین تلاش برای حفاظت از زبان بومی بود. نه بررسی تأثیر استفاده از زبان ملی بر یادگیری زبان

انگلیسی و در فیلیپین خانواده ها مخالف تدریس زبان بومی بودند زیرا بر این باور بودند که با این روش بچه ها از نظام ملی

جدا می شوند و این به ضرر آنها تمام می شود.

نتیجه اینکه: همانطور که فضای سیاسی بر انتخاب زبان ملی تأثیر می گذارد، این فضا اغلب بر موفقیت یا شکست

یک دیدگاه جدید در آموزش زبان در مدارس تأثیر می گذارد و در نتیجه برخورد مردم در این میان غیر قابل پیش بینی

است.

دستاوردها پروژها این بوده است که زبان اول (بومی) بچه ها بهتر است در پایه های ابتدایی به عنوان وسیله ای برای

تدریس زبان دوم و دیگر دانش ها باشد و زبان دوم یا ملی در پایه های بالاتر به طور کامل و منحصرأ استفاده شود.

در این میان آگاهی مردم، معلمان و سطح تحصیلات و افزایش دانش معلمان نیز بسیار ضروری است.

۲-۲ آموزش :

مراحل آموزش اغلب به مهد کودک ، دبستان ، راهنمایی ، دبیرستان و آموزش بزرگسالان تقسیم می شود ، اما در

کشورهای مختلف این تقسیم بندی برای سنین مختلف و به روش های مختلف انجام می شود .

مهم ترین مسئله در برنامه ریزی آموزش زبان منسجم بودن آن است ^۱ . همه کودکان عادی تا حدود سن چهار سال و

نیم هسته اصلی و واژگان محدود مورد نیاز خود را به طور طبیعی از محیط فرا می گیرند، با این حال، به کارگیری زبان در

موقعیت های اجتماعی گوناگون و ارتباط های زبانی متفاوت تنها به فعالیت های ساده و عادی ارتباط گفتاری که کودکان

برای بیان نیازها و احساسات اولیه یا شنیدن و درک گفتار ساده از خود نشان می دهند، محدود نمی شود . بلکه بر عکس، به

کارگیری زبان در موقعیت ها و کاربردهای گوناگون اجتماعی آن، پیچیدگی های بسیار متنوعی را شامل می شود، به طوری که

یادگیری آنها الزاماً به آموزش، تمرین و فراگیری آگاهانه نیاز دارند ^۲ .

به هیچ کس زبان بومی اش آموخته نمی شود، نظام زبانی از طریق استعداد های ذاتی و قرار گرفتن در معرض زبان به

نحوی فرا گرفته می شود که هنوز ماهیت آن به طور کامل روشن نشده است . این امکان وجود دارد که به زبان آموزان

چیزهایی درباره زبان خودشان آموخته شود تا مهارت های کاربرد زبان در اختیار آنان قرار گیرد و حتی در فراگیری برخی

گونه گونی های لهجه ای به آنها کمک شود اما هیچ کس واقعاً زبان را آموزش نمی دهد . بنابراین آنچه مستقیماً به معلم

مربوط می شود جنبه های مختلف کاربرد زبانی است ^۳ .

از هر دو تعریف نیز می توان دریافت که کودکان با ورود به مدرسه و طی آموزش زبان به یادگیری ساخت های

متفاوت و پیچیده، واژگان گسترده و نیز سبک های گفتاری و نوشتاری می پردازند و آشنایی با این سبک ها و مهارت ها و به

کارگیری آنها که تنها از راه آموزش ممکن می شود مهم به نظر می رسد، و از آنجائیکه زبان ابزار یادگیری دیگر علوم هم

محسوب می شود آموزش زبان جایگاه ویژه ای را در کل نظام آموزشی اشغال می کند .

^۱ -Spolsky .(۱۹۹۹) . ۱۲۳

^۲ -مشکوٰة الدینی . (۱۳۷۹) ، ص ۱۱۱

^۳ -فالك . (۱۹۷۸) ، ص ۳۸۳

۲-۱-۱ سواد: ۱

مشکوٰۃ الدینی به نقل از گارتون و پرت می نویسد: بنا به تعریف به فراگیری و گسترش ویژگی های گفتار درست و روان و به کارگیری متناسب آن در موقعیت های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، عاطفی، به همراه یادگیری خواندن و نوشتن و نیز سبک های متفاوت نوشتاری و کسب مهارت بر آنها که بر پایه توانایی آغازی و طبیعی گفتار در کودکی و گسترش آن و نیز از راه آموزش و یادگیری عمومی حاصل می شود سواد آموزی گفته می شود. سواد آموزی معمولاً از سن ۵ یا ۶ سالگی آغاز می شود و توانایی های اولیه آن تا حدود ۸ سالگی فرا گرفته می شود. با این حال گسترش و یادگیری مهارت های پیچیده آن همچنان تا سنین بزرگسالی ادامه می یابد.^۲

کلمه سواد در لغت نامه: «موقعیت یا شرایط با سواد بودن» تعریف شده است و این کلمه در مورد کسی بکار می رود که توانایی خواندن و نوشتن داشته باشد و بطور کلی بار معنایی نوشتن و خواندن با این کلمه همراه شده است، ولی تعریف دقیق و واحدی وجود ندارد و تعریف کلمه بسته به فرهنگ و کشور متفاوت است، بیشتر مطالعات در مورد سواد بر خواندن تکیه دارد در حالی که خواندن و نوشتن هر دو به یک اندازه مهم می باشند.

آموزش زبان به زبان مادری بهتر انجام می شود، چون دیگر نیاز به یادگیری ساختار و لغات جدید زبان دیگر، ندارد. در بسیاری از کشورهای چند زبانه، بچه ها اغلب باید به زبانی که زبان مادریشان نیست بخوانند و بنویسند و در اینگونه موارد مانعی برای یادگیری سواد ایجاد می شود چون بچه ها به زبانی که یاد می گیرند کنترل ندارند.^۳

و در نهایت با فراگیری سواد فرد قادر می شود با دیگران به طور مفید و موثر صحبت کند و همچنین آنچه را بخواهد به راحتی بخواند و بنویسد. در واقع، با به کارگیری ارتباط زبانی مناسب در هر موقعیت، نیازهای اجتماعی فرد بهتر برآورده می شود. همچنین، از این راه، ارتباط ها و در نتیجه پیوندهای اجتماعی فرد با دیگران استوار می گردد و به طور مناسب در جامعه پیچیده و گسترده کنونی، پویایی اجتماعی وی برقرار باقی می ماند. تعریف سواد آموزی به طور گسترده تر، آموزش و فراگیری ادبیات و برخی آگاهی های عمومی اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و نظایر اینها را نیز شامل می شود، با این حال، به

^۱-literacy

۲ - مشکوٰۃ الدینی - (۱۳۷۹) - ص ۱۱۲

^۳-Spolsky, (۱۹۹۹), p.160, 161

جز آنکه مرحله نخست سواد آموزی، یعنی فراگیری مهارت های گفتار و نیز خواندن و نوشتن و تسلط بر آنها به طور متناسب به انجام رسیده باشد. کسب آگاهی ها و دانش مؤثر و کارآمد در زمینه های یاد شده ممکن نخواهد بود.^۱

اشاره به این نکته ضروری می رسد که کلمه **oracy** در قیاس با **literacy**، برای صحبت کردن و گوش دادن توسط ویلکینسون^۲ (۱۹۶۵) وضع شده است. در آن زمان محور غالب در مدارس سواد به معنی خواندن و نوشتن بود، در نتیجه این کلمه برای ارزش دادن مساوی به اعمال کلامی نیاز بود. زیرا **oracy** در ارتباط نزدیک با سواد است و مستعد ارزیابی است، امروزه این نکات در برنامه درسی زبان آموزی استرالیا، کانادا و انگلیس گنجانده شده است.^۳

۲-۱-۲ زبان ملی

زبان ملی زبانی است که معمولاً زبان اصلی یک ملت فرض می شود، برای مثال در آلمان، آلمانی زبان ملی است، هر دولت باید یک زبان خاص و لهجه خاص را به عنوان زبان ملی یک ملت مشخص کند.^۴

وقتی اعضای چند جامعه زبانی در قلمرو یک کشور با مرزهای سیاسی واحد زندگی می کنند، برای رفع نیازهای ارتباطی عمومی خود باید یکی از زبان های موجود را به عنوان زبان میانجی یا زبان مشترک انتخاب کنند. از دیدگاه جامعه شناسی زبان، به طور طبیعی و ناخود آگاه، سخنگویان گویش های مختلف به طور غیر عمد به این حقیقت گرایش می یابند که یکی از زبان های موجود کشور را که وسعت کاربردی بیشتری دارد به عنوان زبان مشترک یا زبان ملی انتخاب کرده و در ارتباط با افراد جوامع زبانی دیگر به کار گیرند، رسانه های گروهی، مطبوعات، کتاب ها و دستگاههای دولتی (مثل آموزش و پرورش) این امر را تسهیل می کنند و از این جهت هر شخص با مجهز شدن به یک زبان دوم خواهد توانست، با دیگر هموطنان خود ارتباط برقرار کند، در ایران زبان مشترک و دوم همه کسانی که دارای گویش محلی هستند زبان فارسی می باشد.

بیشتر دولت ها به کارگیری یک زبان رسمی را در کشور مورد تشویق قرار می دهند، زیرا به دلایل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، اداری امور کشور به ویژه آموزش و پرورش با یک زبان واحد بسیار آسانتر است.

^۱ -مشکوٰة الدینی - (۱۳۷۹)، ص ۱۱۴

^۲ -Wilkinson

^۳ -Spolsky . (۱۹۹۹), p1۷۸

^۴ -ریچاردز و پلت، (۱۹۹۲)، ص ۲۴۰